

۱ راه حل تعارض میان دانش عمومی و دانش علمی را با ذکر یک مثال توضیح دهید.

۲ فردی را تصور کنید که تصمیم می‌گیرد به تنهایی و بیرون از جامعه زندگی کند، او چه کارهایی باید انجام دهد تا بر ذخیره دانشی‌اش افزوده شود؟

۳ دیدگاهی که دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانشی می‌داند، چه نظری دارد؟

۴ در دیگهای که دانش علمی به دانش تجربی محدود نمی‌شود، دانش عمومی و دانش علمی چه رابطه‌ای دارند؟

۵ جهان متجدد چه تعریفی از دانش علمی داشت؟

۶ چه چیزی ذخیره آگاهی یا ذخیره دانشی انسان‌ها را شکل می‌دهد؟

۷ یادگیری دانش عمومی از کدام مرحله زندگی انسان شروع می‌شود و تا چه زمانی ادامه می‌یابد؟

۸ آیا کنش‌های ساده و پیچیده روزمره ما، بدون دانش و آگاهی خاصی انجام می‌شود؟

۹ وجود آگاهی‌ها و دانش‌های زندگی روزمره، چه اثری در زندگی اجتماعی دارد؟

۱۰ ابداع ساعت توسط انسان به چه منظوری بوده است؟

۱۱ در اوایل قرن بیستم میلادی، در جهان غرب، کدام روش را تنها روش کسب علم می‌دانستند و نسبت به سایر علوم چه نظری داشتند؟

۱۲ در دیگهای که تفاوت دانش علمی با دانش عمومی در روش آن‌هاست، دانش علم و دانش عمومی از چه روشی برخوردارند؟

۱۳ «دانش عمومی» از چه طریقی در اختیار ما قرار می‌گیرد؟

۱۴ یک مورد از پیامدهای تعارض در ذخیره دانشی جوامع را بنویسید.

۱۵ دانش علمی چگونه شکل می‌گیرد؟

۱۶ هر عبارت به کدام مفهوم اشاره دارد؟
الف) راهنمای زندگی هر فرد، گروه، قوم و جامعه که راهنمای زندگی آن‌ها است. (.....)
ب) دانش لازم برای زندگی را در اختیار ما قرار می‌دهد. (.....)

۱۷ کسی که دانش علمی دارد به کدام توانمندی‌ها دست می‌یابد؟ یک مورد را بنویسید.

۱۸ هر عبارت به کدام نوع دانش و جهان اشاره دارد؟
الف) در زندگی اجتماعی مانند هوا برای انسان است. (.....)
ب) براساس هویت دنیوی خود فقط علوم تجربی را علم می‌دانست. (.....)

۱۹ گاهی در جامعه میان دانش عمومی و دانش علمی تعارض‌هایی پدید می‌آید، حل این تعارض‌ها چگونه انجام می‌شود؟
(ذکر یک مورد)

۲۰ نمونه‌هایی از دانش عمومی که ویژه منطقه زندگی شماست مثال بزنید و درباره‌ی اهمیت آن گفت‌وگو کنید.



- ۱ گاهی میان دانش عمومی و دانش علمی در یک جهان اجتماعی تعارض‌هایی پدید می‌آید. اعضای اجتماعی برای حل این تعارض‌ها تلاش می‌کنند. تعارض‌ها گاهی با رها کردن بخشی از ذخیره دانشی به نفع بخشی دیگر و گاهی با طرح ایده‌های جدید حل می‌شود. (ذکر دو مورد) (ص ۶)
- ۲ او مجبور است پیش از انجام دادن هر کاری، فکر کند تا آگاهی لازم را برای انجام دادن به دست آورد و بتواند آن را انجام دهد. در صورتی که آن عمل موفقیت‌آمیز باشد، دفعات بعد برای انجام دادن آن از همان دانش قبلی استفاده می‌کند. پس در وقت و انرژی او صرفه‌جویی می‌شود و می‌تواند به فعالیت‌های دیگر بیندیشد و راه انجام آن‌ها را بیابد. بدین ترتیب به سختی بر ذخیره دانشی او افزوده می‌شود.
- ۳ این دیدگاه این ادعا را که دانش علمی، راه کشف واقعیت و دانش عمومی، دانش حاصل از زندگی می‌داند انکار می‌کند و همه دانش‌ها را دانش حاصل از زندگی می‌داند. برتری دانش تجربی بر دانش حاصل از زندگی را بی‌اعتبار می‌داند و به عکس دانش عمومی را پایه و اساس هرگونه دانش از جمله دانش تجربی می‌داند.
- ۴ دانش علمی به دلیل امکان اعتباریابی نسبت به دانش عمومی از اعتبار بیشتری برخوردار است. دانش علمی ضمن ریشه داشتن در دانش عمومی، امکان انتقاد از دانش عمومی و تصحیح آن را دارد. دانش عمومی و دانش علمی رابطه متقابل دارند، بر یکدیگر اثر گذاشته و از هم اثر می‌پذیرند و به مرور متناسب می‌شوند.
- ۵ جهان متجدد، براساس هویت دنیوی خود، فقط علم تجربی را دانش علمی می‌دانست و علوم عقلانی و وحیانی را علم محسوب نمی‌کرد.
- ۶ امروزه کودکان از شش سالگی به مدرسه می‌روند، در سنین بالاتر، راهی دبیرستان‌ها، دانشگاه‌ها، حوزه‌های علمیه و دیگر مراکز تخصصی می‌شوند و دانش‌هایی را با عناوین مختلف می‌آموزند. هرآنچه افراد از تجربه‌های فردی و اجتماعی خود، مطالعات مدرسه‌ای و دانشگاهی می‌آموزند ذخیره دانش آن‌ها را شکل می‌دهد.
- ۷ انسان از بدو تولد با شنیدن صداها و بعد با دیدن، به مرور با اشیاء و اطراف خود ارتباط برقرار می‌کند و با آشنایی با کلمات و سخن گفتن، آگاهی شگرفی از دنیای اطراف خود پیدا می‌کند و زندگی روزمره و تجربه‌های آن، همان دانش عمومی است که از اولین لحظه تولد، یادگیری آن شروع می‌شود و تا آخرین لحظه زندگی ادامه پیدا می‌کند.
- ۸ اگر به کنش‌های روزمره خود مانند راه رفتن، تلفن زدن، احوالپرسی، خرید و کارهای ساده و پیچیده دیگر توجه کنیم، شاید در نگاه اول گمان کنیم این کارها بدون آگاهی و دانش خاصی انجام می‌شوند، اما این‌طور نیست. زیرا در این اعمال، آگاهی و دانش‌هایی وجود دارد که به سبب عادت، از نظر پنهان می‌ماند.
- ۹ اگر این دانش‌ها و آگاهی‌ها نباشند، زندگی اجتماعی ما مختل می‌شود و جهان اجتماعی فرو می‌ریزد. این دانش‌ها را انسان‌ها در طول زندگی خود به دست می‌آورند و حاصل از زندگی است.
- ۱۰ ساعت از قدیمی‌ترین ابداعات بشر است. او با استفاده از دانش زمان خود برای اندازه‌گیری، نشان دادن و نگهداری زمان، ابزارهایی مانند ساعت آبی، آفتابی، شنی و شمعی ساخته است.
- ۱۱ آن‌ها روش تجربی را تنها روش کسب علم می‌دانستند و می‌گفتند که همه علوم باید از یک روش یعنی روش تجربی استفاده کنند و فقط علم تجربی، علم است. آنان سایر علوم مانند فلسفه، اخلاق و علوم دینی را غیرعلمی می‌دانستند و علوم انسانی و اجتماعی فقط در صورت استفاده از روش تجربی علم تلقی می‌شوند.

۱۲ دانش علمی (تجربی) راه کشف واقعیت و تنها دانش معتبر است. دانش عمومی در مقابل دانش علمی از ارزش ناچیزی برخوردار است. دانش علمی برای حفظ هویت خود باید از ورود دانش عمومی به قلمرو علم جلوگیری کند.

۱۳ جهان اجتماعی، یعنی جامعه و فرهنگی که در آن زندگی می‌کنیم دانش لازم برای زندگی یا همان دانش عمومی را در اختیار ما قرار می‌دهد.

۱۴ ارتباط دوسویه دانش عمومی و دانش علمی قطع می‌شود و یا یک مورد از: دانش عمومی به طور همه جانبه از دانش علمی حمایت نمی‌کند، دانش علمی از رشد و رونق لازم بازمی‌ماند و دغدغه و توان لازم برای حل مسائل و مشکلات دانش عمومی را از دست می‌دهد. (ص ۷)

۱۵ دانش علمی با تلاش برای حل مسائل و مشکلات زندگی شکل می‌گیرد یعنی هر وقت در یک جامعه مسئله خاصی مطرح می‌شود زمینه برای پیدایش و رشد دانش علمی درباره آن نیز فراهم می‌گردد. (ص ۵)

۱۶ الف) ذخیره دانشی (ص ۳) ب) جهان اجتماعی (ص ۴)

۱۷ یک مورد از موارد: به درک عمیقی از شناخت عمومی جهان اجتماعی خود می‌رسد و آسیب‌ها و اشکالاتی را که به شناخت عمومی راه پیدا کرده‌اند شناسایی می‌کند و قدرت پیدا می‌کند که از حقایق موجود در شناخت عمومی دفاع کند. (ص ۵)

۱۸ الف) دانش عمومی ب) جهان متجدد

۱۹ گاه با دست برداشتن از بخشی از ذخیره‌ی دانشی به نفع بخشی دیگر و گاه با طرح ایده‌های جدید انجام می‌شود. (ذکر یک مورد) (ص ۶)

۲۰ پاسخ به عهده دانش‌آموز



